

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۴۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

فرایندهای واژه‌آفرینی در گونه گفتاری زبان فارسی

مرضیه سادات رضوی *

فریبا قطره **

چکیده

مطالعه زبان فارسی به دلیل تفاوت‌های امروز آن میان گفتار و نوشتار، اهمیتی خاص دارد. در بسیاری از زبان‌ها میان این دو گونه زبانی، تفاوت‌هایی به‌ویژه از نظر الگوهای دستوری و واژگان مشاهده می‌شود که اهمیت و ضرورت مطالعه جداگانه هر یک را دوچندان می‌کند. بر این اساس، مقاله حاضر به بررسی و تحلیل واژه‌هایی می‌پردازد که معمولاً در گفتار فارسی‌زبانان به کار می‌روند و در نوشتار یا اصلاً به کار نمی‌روند، یا به ندرت استفاده می‌شوند و بر مبنای دیدگاه «بوی» (2007)، حاصل فرایندهای واژه‌آفرینی هستند نه واژه‌سازی. داده‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر نیز به تبعیت از رویکرد بوی، بر اساس نوع فرایندهای واژه‌آفرینی شامل کوتاه‌سازی، آمیزش، ابداع، قیاس، قرض‌گیری، گسترش استعاری و تبدیل عبارت به واژه در چهار مقوله اسم، فعل، صفت و قید طبقه‌بندی و بررسی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از میان فرایندها و شیوه‌های یادشده، کوتاه‌سازی با بیشترین درصد (۳۲/۵۸ درصد) و تبدیل عبارت به واژه و آمیزش با کمترین درصد (به ترتیب با ۵/۶۲ و ۴/۴۹ درصد) در واژه‌سازی نقش دارند.

واژه‌های کلیدی: صرف، فارسی گفتاری، واژه‌آفرینی و واژه‌سازی و زبانی.

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء(س) marziyeh_razavi@yahoo.com

f_ghatreh@yahoo.com

** استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء(س)

مقدمه

زبان یا به صورت گفتار از قوه به فعل درمی‌آید یا به صورت نوشتار. در اکثر زبان‌ها بین هنجارهای^۱ گفتار و نوشتار تفاوت وجود دارد. یعنی مردم در گفتار، واژه‌ها یا الگوهای دستوری را به کار می‌برند که هرگز نمی‌نویسند یا به ندرت می‌نویسند و یا در نوشتار، واژه‌ها یا الگوهایی به کار می‌برند که در گفتار نمی‌آورند (باطنی، ۱۳۷۴: ۱۱).

امروزه وضعیت زبان فارسی به گونه‌ای است که دو گونه گفتاری و نوشتاری آن علی‌رغم شباهت‌های اساسی، تفاوت‌های چشمگیری نیز دارند. به عنوان مثال برخی فرایندهای زبانی بیشتر در گفتار کاربرد دارند، مانند کوتاه‌سازی^۲ و ابداع^۳ در واژه‌سازی، و برخی دیگر نیز بیشتر در نوشتار به کار می‌روند، مانند مجهول‌سازی. برخی هم در هر دو گونه وجود دارند، اما کاربرد و تبلور آنها در گفتار و نوشتار متفاوت است مانند اشتقاق^۴ (به عنوان مثال وندی مانند «-ول» در «خنکول»، بیشتر در گفتار کاربرد دارد). اختلاف میان گفتار و نوشتار در برخی زبان‌ها کم و در برخی، بسیار وسیع است. در این میان زبان فارسی از زبان‌هایی است که بین هنجارهای گفتار و نوشتار تفاوت زیاد می‌گذارد. صدها واژه را می‌توان نام برد که بیشتر فارسی‌زبانان حتی تحصیل‌کرده‌ها روزانه به کار می‌برند، ولی این واژه‌ها معمولاً در نوشته‌ها ظاهر نمی‌شوند، مانند خیت، کشکی و توپیدن. توجه و علاقه زبان‌شناسان به مطالعه سبک گفتار گونه‌های کاربردی باعث شده است که طی دو دهه گذشته شاهد کوشش‌های نظام‌مند زبان‌شناسان برای مشخص کردن ارتباط میان دو گونه گفتاری و نوشتاری و بررسی وجوه افتراق و اشتراک آنها باشیم. به طور مثال می‌توان در مورد زبان فارسی از جمال‌زاده (۱۳۷۸) نام برد که گردآوری واژگان زبان گفتاری را پایه‌گذاری کرد (همان).

«نجفی» با مطالعه زبان فارسی در مرتبه گفتار، آن را به سه گروه زبان معیار، زبان روزمره و زبان عامیانه طبقه‌بندی می‌کند و ضمن معرفی و توصیف ویژگی‌های هر یک، بیان می‌کند که مرز میان زبان عامیانه و زبان روزمره، و یا میان زبان روزمره و زبان معیار را نمی‌توان به دقت مشخص کرد (نجفی، ۱۳۷۸: ۷-۹). گونه‌های گفتاری و نوشتاری

-
1. norm
 2. shortening
 3. coinage
 4. derivation

زبان علی‌رغم هم‌پوشی‌های بسیار، از نظر ساختار واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردشناختی، تفاوت‌هایی دارند که پژوهشگران را ملزم می‌سازد هر یک از این دو گونه زبانی را جداگانه بررسی و توصیف کنند. با اینکه چند و چون این تفاوت‌ها در زبان‌های گوناگون فرق می‌کند، تفاوت میان گفتار و نوشتار به طور کلی در هر زبانی وجود دارد و دلیل آن این است که نوشتار، محافظه‌کارتر است و پایه‌پای گفتار دگرگون نمی‌شود (نجفی، ۱۳۷۸: ۴۲).

از جمله مسائلی که توجه بسیاری از پژوهشگران را در قرن بیستم به خود جلب کرده است، ساختمان واژه و عناصر سازنده آن است. علی‌رغم کوشش‌های فراوان برای ارائه توصیفی جامع و مانع از واژه و سازه‌های آن، به سبب تنوع ساختاری زبان‌ها، پژوهشگران هنوز به چنین توصیفی دست نیافته‌اند (شقایق، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۴).

هر چند تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره واژه‌سازی در زبان فارسی انجام شده است (ر.ک: اوحدی، ۱۳۷۵، صادقی زرقری، ۱۳۸۰، کی‌قبادی، ۱۳۸۵)، در هیچ کدام اشاره چندانی به تفاوت‌های واژه‌سازی در دو گونه گفتاری و نوشتاری نشده است. در این میان «سمایی»، پژوهش متفاوتی را درباره زبان مخفی در فارسی انجام داده است. وی ضمن بیان ویژگی‌ها و دلایل ابداع آن، بر این عقیده است که زبان مخفی، مجموعه کلمات و عباراتی است که گروه خاصی آن را به کار می‌برند و فهمش برای دیگران مشکل است. وی ابداع‌کنندگان آن را در حال حاضر دو گروه قانون‌گریزان و جوانان و نوجوانان می‌داند. سمایی یکی از دلایل لزوم بررسی زبان مخفی را بررسی و کشف شیوه‌ها و الگوهای واژه‌سازی در این زبان می‌داند (سمایی، ۱۳۸۲: ۱۱).

«شقایق» نیز علاوه بر فرایندهای پربسامد ترکیب، اشتقاق، ترکیب- اشتقاق و تکرار^۱ به فرایندهای واژه‌سازی دیگری اشاره می‌کند که زایایی کمتری دارند. این فرایندها امل واژه‌سازی بدیع، تبدیل^۲ یا صفر، اختصارسازی^۳، کوتاه‌سازی، سرواژه‌سازی^۴، آمیزش^۵ و

-
1. recursion
 2. conversion
 3. abbreviation
 4. acronym
 5. blending

در زبان‌های دیگر نیز از فرایندهای گوناگونی برای واژه‌سازی استفاده می‌شود؛ برای نمونه می‌توان به اشتقاق، ترکیب^۲، تکرار (دوگان‌سازی)، کاهش^۳، اختصار، کوتاه‌سازی و آمیزش در زبان انگلیسی اشاره کرد (Haspelmath, 2002: 22-25).

«بائر» نیز علاوه بر فرایندهای یادشده، به استفاده از تکواژهای منحصر به فرد^۴ مانند bomuld در زبان آلمانی و خرده‌واژه‌ها^۵ مانند nomics در thatchernomics نیز برای واژه‌سازی در انگلیسی اشاره می‌کند (Bauer, 2004: 97-98).

«کاتامبا و استونهام» نیز فرایند تبدیل و وام‌گیری^۶ را نیز به عنوان مهم‌ترین و معمول‌ترین شیوه‌های واژه‌سازی در زبان انگلیسی می‌دانند (Katamba & Stonham, 2006: 54-56).

در این میان «بوی»، واژه‌سازی را به لحاظ سنتی به دو نوع اشتقاق و ترکیب تقسیم‌بندی می‌کند و فرایند تبدیل را که در آن صرفاً طبقه^۷ یک واژه تغییر می‌کند، زیرمجموعه‌ای از اشتقاق در نظر می‌گیرد. وی با معرفی دو رویکرد جاننشینی^۸ و هم‌نشینی^۹ در صرف و اشاره به تمایز میان این دو رویکرد، مطالعه^{۱۰} صرف را بر اساس رویکرد جاننشینی می‌داند. علاوه بر آن، وی به مواردی چون وام‌گیری، تبدیل گروه به واژه^{۱۱} و واژه‌آفرینی نیز اشاره می‌کند. او اولین فردی است که ضمن تمایز میان فرایندهای واژه‌سازی^{۱۲} و واژه‌آفرینی^{۱۳}، فرایندهایی مانند آمیزش، سرواژه‌سازی^{۱۴} و ترخیم^{۱۵} را جزء فرایندهای واژه‌آفرینی معرفی می‌کند (Booij, 2007: 5).

1. Semantic extension
2. compounding
3. subtraction
4. Unique morphs
5. splinters
6. borrowing
7. paradigmatic
8. syntagmatic
9. Phrase becoming word
10. Word formation
11. Word creation
12. clipping
13. reduction

در این خصوص بوی با نگاهی متفاوت، مشخصاً میان واژه‌سازی و واژه‌آفرینی تفاوت قائل می‌شود. وی واژه‌سازی را بخشی از نظام صرفی یک زبان می‌داند که در آن برخلاف واژه‌آفرینی از روش‌های قاعده‌مند در تولید واژه‌های جدید استفاده می‌شود. به عقیده بوی، یکی از ویژگی‌های واژه‌آفرینی که آن را از واژه‌سازی متمایز می‌کند، ساخت واژه‌های جدید از طریق ساده کردن یا تلخیص است. در این حالت از آنجایی که اجزای سازنده واژه جدید که تعیین‌کننده معنا هستند به طور کامل ظاهر نمی‌شوند، معنای واژه ساخته شده مستقیماً از صورت واژه قابل دریافت نیست. مانند واژه انگلیسی stagflation که حاصل آمیزش دو جزء stag و flation بوده و معنای آن بر اساس این دو جزء قابل تشخیص نیست؛ زیرا این دو جزء به‌خودی‌خود معنای stagnation و inflation را در بر ندارند (Booij, 2007: 19). بر این اساس، بوی با تفاوت قائل شدن میان واژه‌آفرینی و واژه‌سازی، واژه‌آفرینی را نوعی استفاده‌ی عامدانه و آگاهانه از زبان می‌داند که معنای واژه ساخته‌شده جدید از اجزای سازنده آن قابل بازیافت نیست. از این دیدگاه وی نظام صرفی زبان (و مشخصاً واژه‌سازی) را تنها منبع تولید واژه‌های پیچیده نمی‌داند، بلکه علاوه بر آن واژه‌آفرینی (شامل فرایندهای آمیزش، سرواژه‌سازی، الفباسازی و کوتاه‌سازی)، وام‌گیری و تبدیل گروه به واژه را از دیگر راه‌های گسترش واژگان در یک زبان به حساب می‌آورد.

در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با توجه به قائل بودن به تمایز میان فرایندهای واژه‌سازی و واژه‌آفرینی به شناخت و بررسی انواع فرایندهای واژه‌آفرینی در گونه گفتاری زبان فارسی پرداخته شود.

داده‌های موضوع بررسی در این پژوهش شامل ۸۹ واژه است که در گفتار مردم ساکن شهر تهران به کار رفته‌اند. این داده‌ها به صورت مشاهده‌ای و از طریق قرار گرفتن در میان مردم در مکان‌های پرجمعیت همچون دانشگاه، مترو، مراکز خرید و مهمانی‌ها، به صورت ضبط و یا نوشتن جمله‌ها به دست آمده است. برخی از واژه‌ها نیز از میان گفتار افراد در برنامه‌های تلویزیونی به‌ویژه فیلم‌ها و سریال‌ها گردآوری شده است. گویش‌وران این پژوهش، گروه سنی پانزده تا پنجاه سال را شامل می‌شود و دو عامل تحصیلات و جنسیت نیز در این پژوهش مطرح نیست.

فرایندهای واژه‌آفرینی

فرایندها و شیوه‌های واژه‌آفرینی مورد بررسی در این بخش شامل کوتاه‌سازی، آمیزش، ابداع، قیاس، وام‌گیری، گسترش استعاری و تبدیل عبارت به واژه هستند. از آنجایی که فرایندهای واژه‌آفرینی در مقایسه با فرایندهای واژه‌سازی معمولاً کاربرد کمتری دارند، داده‌های زیادی از این فرایند به دست نیامد.

فرایند کوتاه‌سازی

طی فرایند کوتاه‌سازی، با حذف یک یا چند هجا از کلمه یا عبارت پایه، واژه‌سازی صورت می‌گیرد. در صورتی که عنصر حذف شده از جایگاه آغازی یا میانی پایه باشد، فرایند را کوتاه‌سازی و اگر حذف از جایگاه پایانی باشد، آن را ترخیم می‌نامند (شقاقی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). در این قسمت واژه‌های به دست آمده از فرایند کوتاه‌سازی در سه مقوله اصلی اسم، صفت و قید ارائه می‌شود.

فرایند کوتاه‌سازی در اسم‌ها

علاوه بر اسم‌های موجود در فارسی، اسم‌هایی که از زبان‌های دیگر به فارسی وارد شده‌اند نیز تحت تأثیر فرایند کوتاه‌سازی قرار گرفته‌اند. جدول زیر برخی از اسم‌های حاصل از این فرایند را نشان می‌دهد.

جدول ۱ - اسم‌های حاصل از فرایند کوتاه‌سازی

واژه	واج‌نگاری	صورت کامل	مثال
اشتب	ʔešteb	اشتباه	ما رو با کس دیگه اشتب گرفتی!
بیو	biyu	بیوگرافی	به بیو زیر توجه فرمایید.
دخی	doxi	دختر	این دخی تو هر چی آدم خونسرده، از رو برده.
شوشو	šušu	شوهر	شبا با شوشو می‌ریم پیاده‌روی.

مشاهده می‌شود که در برخی از این واژه‌ها بعد از کوتاه‌سازی، افزودن واکنه /i/ هم داریم، مانند دخی. همچنین می‌بینیم که گاه در ساخت برخی از واژه‌ها، دو فرایند به کار رفته است، مانند واژه شوشو. این واژه که کوتاه‌شده شوهر است (در اینجا تلفظ

فرایندهای واژه‌آفرینی در گونه گفتاری زبان فارسی / ۱۵۱
 محاوره‌ای “šuaer” مدنظر است، ابتدا تحت تأثیر فرایند کوتاه‌سازی، بخش پایانی آن
 یعنی /هر/ حذف شده است و سپس بر اثر فرایند تکرار، به شوشو تبدیل شده است.

فرایند کوتاه‌سازی در اسم‌های خاص

کوتاه‌سازی اسم‌های خاص در برخی از زبان‌ها و به‌ویژه زبان فارسی، امری بسیار
 شایع و رایج است. در جدول زیر تعدادی از این اسم‌ها را مشاهده می‌کنیم:

جدول ۲- اسم‌های خاص حاصل از فرایند کوتاه‌سازی

واژه	واج‌نگاری	صورت کامل	مثال
ایلی	?ili	ایلیا	پسرم ایلی، حسابی مریض شده.
اردی	?ardi	اردلان	به اردی زنگ بزن امشب زودتر بیدار خونه.
پدی	pedi	پدرام	داداش پدی اسمش چیه؟

نکته قابل توجه در این بخش، اشاره به کاربرد گسترده فرایند کوتاه‌سازی در
 اسم‌های خاص به‌ویژه در زبان فارسی محاوره‌ای است. «کلباسی»، علت کوتاه شدن
 اسم‌های خاص را جنبه عاطفی و سهولت در تلفظ می‌داند. وی معتقد است کوتاه شدن
 اسم‌های خاص از طریق یکی از چهار صورت زیر انجام می‌شود (کلباسی، ۱۳۶۴: ۴۷):

- ۱- با اضافه کردن /-ی/ نسبت به هجای آغازین اسم‌ها مانند: هوشنگ ← هوشی.
- ۲- با تکرار یک هجا مانند: سوسن ← سوسو.
- ۳- با حذف یک وند، هجا یا یک رشته آوایی از پایان اسم مانند: منیره ← منیر.
- ۴- با حذف یک جزء در اسامی دو جزئی مانند: ایران‌دخت ← ایران.

فرایند کوتاه‌سازی در صفت‌ها

در میان صفت‌ها، در چند مورد کوتاه‌سازی مشاهده شده است که در جدول زیر به
 آنها اشاره می‌شود.

جدول ۳- صفت‌های حاصل از فرایند کوتاه‌سازی

واژه	واج‌نگاری	معنی	صورت کامل	مثال
دپ	dep	افسرده	دپرس	دیروز خیلی دپ بودی، همه‌ش تو خودت بودی، چیزی شده بود؟
فاب	fâb	همدل و صمیمی	فابریک	بین رفقا سعید رفیق فاب منه.
اَس	?os	احمق- ابله	اَسکل	اَس گیر آوردی! فکر کردی می‌دارم هر کاری دلت خواست بکنی!
افتض	?eftez	آبروریزی- خرابی	افتضاح	چه افتضی به بار آوردی! از این بدتر نمی‌شد.

فرایند کوتاه‌سازی در قیدها

در این قسمت دو مورد از قیدها که تحت تأثیر این فرایند قرار گرفته‌اند، در جدول زیر آورده شده‌اند.

جدول ۴- قیده‌های حاصل از فرایند کوتاه‌سازی

واژه	واج‌نگاری	صورت کامل	مثال
باس	bâs	بایست	باس امشبو همین جا بمونیم تا ببینیم فردا چی می‌شه.
دیش	diš	دیشب	همین دیش باهات حرف زدم حالشم خوب بود.

هر چند فرایند کوتاه‌سازی در سه مقوله اسم، صفت و قید صورت گرفته است، این فرایند در ساخت اسم‌ها نقش زیادی داشته است. با توجه به اینکه در تمامی موارد، حذف هجا یا کلمه از قسمت پایانی واژه‌ها صورت گرفته است، بنا بر تعریف شقاقی (۱۳۸۶: ۱۰۶) می‌توان گفت که در همه واژه‌ها فرایند ترخیم رخ داده است و تنها در یک مورد یعنی در واژه داش که حذف در هجای اول صورت گرفته است، فرایند کوتاه‌سازی داریم.

فرایند آمیزش

در فرایند آمیزش، از اتصال قسمت پایانی واژه‌ای به قسمت آغازی واژه دیگر، واژه جدید ساخته می‌شود (شقاقی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). فرایند آمیزش، زایایی بالایی ندارد. در این پژوهش تأثیر این فرایند را تنها در ساخت اسم و صفت مشاهده می‌کنیم که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

فرایند آمیزش در اسم‌ها

در بخش اسم‌ها، به دو مورد که حاصل فرایند آمیزش است، اشاره می‌شود.

جدول ۵- اسم‌های حاصل از فرایند آمیزش

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال	توضیحات
پشره	pašare	پشه	صورتت چی شده؟ پشره زده؟	حاصل آمیزش دو واژه پشه و حشره است.
پنگال	pangâl	(استفاده از) انگشتان به جای چنگال در غذا خوردن	این داداش ما عادت داره همیشه با پنگالاش غذا بخوره.	حاصل آمیزش دو واژه پنجه و چنگال است.

فرایند آمیزش در صفت‌ها

در بخش صفت‌ها دو صفت طی فرایند آمیزش به دست آمده‌اند. این صفت‌ها در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۶- صفت‌های حاصل از فرایند آمیزش

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال	توضیحات
دپسرده	depsorde	افسرده	اه! دیشب زری از بس قنبرک گرفته بود، دپسرده‌مون کرد.	از ترکیب دپرس و افسرده تشکیل شده است.
جیگمل	ĵigmal	عزیز، جیگر (در مورد دخترها)	داشتم از جیگمل (ترمه جونم) براتون می‌گفتم...	«جیگمل» حاصل ادغام دو واژه «جیگر» و «دخمل» است.

۱۵۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳

فرایند آمیزش چندان زایا نیست و تنها واژه‌های محدودی از این طریق ساخته می‌شود. در اینجا نیز طبق جدول (۶)، تعداد کمی از واژه‌ها در اثر این فرایند ساخته شده است. نکته‌ای که لازم است بدان اشاره شود این است که گاه گویشوران از واژه‌های قرضی نیز در ساخت کلمات آمیخته استفاده می‌کنند. یعنی بخشی از واژه آمیخته را واژه‌های قرضی تشکیل می‌دهد، مانند واژه دپسره که قسمت آغازی آن را واژه انگلیسی دپرس و بخش پایانی را واژه/فسرده در زبان فارسی تشکیل داده است.

فرایند ابداع

فرایند ابداع یا واژه‌سازی بدیع، زمانی صورت می‌گیرد که گویشوران یک زبان، واژه‌ای را خلق کنند که قبلاً در زبان وجود نداشته است و هیچ واژه خویشاوند یا هم‌خانواده‌ای نیز برای آن نتوان یافت (شقایق، ۱۳۸۶: ۱۰۳). بوی (۲۰۰۷) ابداع را جزء فرایندهای واژه‌آفرینی مطرح نمی‌کند، اما در این پژوهش، ابداع به دلیل نبود قاعده‌ای عام در ساخت واژه‌های جدید، در گروه فرایندهای واژه‌آفرینی در نظر گرفته می‌شود. در ادامه به معرفی واژه‌های حاصل از ابداع که تنها متعلق به دو مقوله اسم و صفت هستند می‌پردازیم.

فرایند ابداع در اسم‌ها

از میان اسم‌های موجود در این پژوهش، تنها موارد معدودی بر اثر فرایند ابداع حاصل آمده‌اند که در این قسمت به آنها پرداخته می‌شود. جدول زیر، اسم‌های حاصل از فرایند ابداع را نشان می‌دهد.

جدول ۷- اسم‌های حاصل از فرایند ابداع

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال
شپلوتگا	šapalutgâ	کسی که دارای ظاهر و سر و وضعی نامرتب و ژولیده است.	این قدر سر و وضع نامرتبه که قیافه‌ام شده مثل شپلوتگا.
گاف	gâf	سوتی؛ سخن یا عملی نابجا که باعث آبروریزی یا برملا شدن رازی شود.	تو مهمونی مینو داشت با مامانش حرف می‌زد که بچه‌ها به گاف بزرگ دادند.

فرایند ابداع در صفت‌ها

صفت‌های متعددی بر اثر فرایند ابداع به دست آمده است که در این بخش به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

جدول ۸- صفت‌های حاصل از ابداع

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال
دوپس	dups	بسیار عالی	یه آهنگ دوپس گذاشتیم.
جفنگ	ǰafang	پوچ و بی‌معنی	چرا جفنگ می‌گی! این حرفا چیه که از خودت درمی‌آری؟
شاسکول	šâskul	احمق، ساده	صدف چه شاسکوله! می‌تونن بادمجونو جای موز قالبش کنن.
ژیگول	žigul	خوش‌پوش، خوش‌لباس	پسر ژیگوله رو ببین!

همان‌طور که مشاهده می‌شود، فرایند ابداع تنها در دو مقوله اسم و صفت، واژه‌های جدید ساخته است. استفاده از این نوع واژه‌ها در گفتار جوانان و نوجوانان بسیار به چشم می‌خورد.

فرایند قیاس

در میان داده‌ها، واژه‌هایی نیز هستند که در اثر قیاس با دیگر واژه‌ها ساخته شده‌اند. همان‌گونه که شقاقی (۱۳۷۸: ۲۸۶) هم اشاره کرده است، قیاس به عنوان یک الگوی قاعده‌مند در زبان، به ما این امکان را می‌دهد تا بر پایه صورت‌های موجود در زبان، صورت‌های گفتاری را که تاکنون نشنیده‌ایم تولید کنیم. برای نمونه به قیاس با تفریح‌گاه، پناهگاه و مانند آن، بنزین‌گاه ساخته می‌شود. بنابراین هر چند قیاس می‌تواند به عنوان یک اصل در حوزه صرف مبنای واژه‌سازی قرار گیرد، به دلیل اینکه نمی‌تواند پیش‌بینی کرد که واژه‌های حاصل از قیاس به پیروی از کدام یک از الگوهای واژه‌سازی در زبان ساخته شده‌اند و به عبارتی دیگر ساختار صرفی این واژه‌ها قابل پیش‌بینی نیست، نمی‌توان آن را به عنوان یک فرایند واژه‌سازی در نظر گرفت. در حقیقت قیاس، یک امکان برای واژه‌سازی است. در ادامه، واژه‌های حاصل از قیاس بررسی می‌شوند. این واژه‌ها تنها به دو مقوله اسم و صفت تعلق دارند.

قیاس در اسم‌ها

در این قسمت برخی از اسم‌ها که در قیاس با دیگر واژه‌ها ساخته شده‌اند، در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۹- اسم‌های حاصل از قیاس

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال	توضیحات
دودبال	dudbâl	دود و دم	طرف اهل دودبال بود، من فوتبال.	به قیاس با فوتبال ساخته شده است.
فیلترنت	filternet	اینترنت، زمانی که بسیاری از سایت‌های آن به دلایل امنیتی یا اخلاقی قابل دسترسی نباشند.	اینترنت نیست که، فیلترنته، تمام سایتا رو بستند.	به قیاس با اینترنت ساخته شده است.
سوتر	suter	کسی که سوتی می‌دهد.	امروز انتخاب بهترین سوتره، برای جالب‌ترین سوتی‌هایی که داده.	به قیاس با شوتر و گلر ساخته شده است.
پاف	pâf	دوست پسر	امروز یه پاف جدید پیدا کردم. خیلی پسر خوبیه خداییش.	به قیاس با داف ساخته شده است.

قیاس در صفت‌ها

در بخش صفت‌ها، چند مورد نیز بر اثر قیاس با دیگر صفت‌ها به دست آمده‌اند. مانند آنچه در جدول زیر به آنها اشاره شده است:

جدول ۱۰- صفت‌های حاصل از قیاس

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال	توضیحات
فکاک	fakkâk	پرحرف	اتوبوسو گذاشتن رو سرشون، اونوقت می‌گن دخترا فکاکن.	در قیاس با حراف ساخته شده است.
گردآلو	gerdâlu	گرد	صورت تو بر عکس خواهرت گردالوئه.	به قیاس با خواب‌آلو ساخته شده است.
یخمالو	yaxmâlu	حساس به سرما، سرماییی	چقدر شما یخمالووییدا می‌تونید پنجره رو ببندید.	در قیاس با پشمالو ساخته شده است. به همین دلیل - م در ساخت آن به کار رفته است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، اسم‌ها و یا صفت‌های حاصل از قیاس، یا در اثر قیاس با واژه‌های زبان فارسی و یا به قیاس با واژه‌های زبان‌های دیگر ساخته شده‌اند. به عنوان مثال از واژهٔ فک بر وزن فعال و به قیاس با «حراف» در زبان عربی، فکاک ساخته شده است و صفت یخمالو به قیاس با پشمالو در زبان فارسی به دست آمده است. وند /-آلو/ در واژه‌های یادشده، احتمالاً همان /-آلود/ است که همخوان پایانی‌اش حذف شده است.

فرایند وام‌گیری

بوی، وام‌گیری را خارج از عملکردهای صرفی زبان به عنوان یکی از انواع روش‌های گسترش واژگان توصیف می‌کند (Booij, 2007: 19). به اعتقاد شقاقی، یکی از راه‌های گسترش واژه‌های زبان، وارد کردن عناصر واژگانی از دیگر زبان‌ها یا گویش‌هاست (شقاقی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). این کار را «وام‌گیری» و واژه‌ای را که از زبان یا گویشی دیگر وارد زبان می‌شود، «وام‌واژه» می‌نامند. در اینجا به واژه‌هایی اشاره می‌شود که از این طریق وارد زبان فارسی شده‌اند. این واژه‌ها تنها به دو مقولهٔ اسم و صفت تعلق دارند.

فرایند وام‌گیری در اسم‌ها

در این بخش به برخی از اسم‌هایی اشاره می‌شود که به واسطهٔ وام‌گیری وارد زبان شده‌اند:

جدول ۱۱- اسم‌های حاصل از وام‌گیری

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال
داف	dâf	دختر	مائده خیلی دافه، چهره‌ش زباد بیوتی نیست ولی قد و هیكلش پسرکشه.
ریکشن	riakšen	عکس‌العمل	وقتی دو نفر دارن غرق می‌شن هر کدوم برای نجات خودش اون یکی رو می‌کشه زیر آب، و این یه ریکشن کاملاً طبیعیه.
گودبای پارتی	gudbây pârti	مهمانی خداحافظی	امشب تو گودبای پارتی که برا خداحافظی با آرش ترتیب داده بودند آمار رضا رو گرفتیم.

فرایند وام‌گیری در صفت‌ها

تعدادی از صفت‌های گونه گفتاری، از زبان‌های دیگر به زبان فارسی وارد شده‌اند. این صفت‌ها در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱۲- صفت‌های حاصل از وام‌گیری

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال
بیبی فیس	beybi feys	چهره بچه‌گانه	خدایی خیلی چهره‌م بیبی فیس. با اینکه ۲۲ سالمه، ولی صورتم کوچولو مونده.
چیپ	čip	بیهوده، بی‌ارزش	همه‌اش نشسته پای لپ‌تاپش و وب‌گردی و از این کارای چیپ انجام می‌ده.
سیف	seyf	امن، مطمئن	چترهای نظامی که به طور خودکار باز می‌شن، خیلی سیف نیستند.

فرایند وام‌گیری به صورت‌های مختلف صورت می‌گیرد. یکی از این راه‌ها، وام‌گیری مستقیم است که طی آن، واژه‌های عیناً از یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شود (شقاقی، ۱۳۸۶: ۱۲۷). در این تحقیق در دو بخش اسم و صفت، واژه‌هایی را مشاهده می‌کنیم که مستقیماً از زبان‌های دیگر به‌ویژه انگلیسی به زبان فارسی وارد شده‌اند. این واژه‌ها بدون اینکه با واژه‌های زبان فارسی ترکیب شوند، به همان صورت شده‌اند. با این حال گاه با واژه‌هایی در مقوله‌های مختلف به‌ویژه در بخش فعل‌ها مواجه می‌شویم که به محض وارد شدن به زبان فارسی در ترکیب با واژه‌های دیگر این زبان به کار رفته‌اند؛ مانند واژه *dâns*/دانس که در ترکیب با فعل کمکی زدن به صورت فعل مرکب *dâns zadan*/دانس زدن یا *leydi*/لیدی که در ترکیب با *fak* به صورت *leydi fak*/لیدی فک استفاده شده‌اند.

فرایند گسترش استعاری

در گسترش استعاری، گویشوران بر مبنای شباهت عینی یا انتزاعی مفهوم مورد نظر با مصداق‌های واژه‌های زبان، کوشش می‌کنند تا معنای واژه‌های موجود در زبان را گسترش دهند. بنابراین با اضافه کردن معنای جدید به واژه مورد نظر خود، به گونه‌ای باعث افزایش واژه‌های زبان می‌شوند (همان: ۱۱۰). به عبارتی دیگر طی گسترش استعاری، واژه جدیدی ساخته نمی‌شود، بلکه تنها با تغییر معنای واژه‌ها یعنی استفاده

مجدد از واژه‌های موجود در زبان مواجه هستیم. تأثیر گسترش استعاری بر بسیاری از واژه‌های موجود در زبان فارسی به‌ویژه در گفتار جوانان و نوجوانان به وفور به چشم می‌خورد. در ادامه صرفاً به چند مورد از واژه‌هایی که گسترش استعاری در آنها صورت گرفته است، اشاره می‌شود. واژه‌های مورد نظر متعلق به دو مقوله فعل و صفت هستند که از حوزه‌های مختلفی مانند خوراکی‌ها، اتومبیل و سایر اشیا انتخاب شده و در مورد انسان به کار رفته‌اند.

گسترش استعاری در فعل‌ها

در این بخش به برخی از فعل‌هایی اشاره می‌شود که حاصل گسترش استعاری هستند:

جدول ۱۳- فعل‌های حاصل از گسترش استعاری

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال
آمپر چسبوندن	âmpër časbundan	فوق‌العاده عصبانی شدن	آقا مهران امروز آمپر چسبونده بود. اینقدر عصبانی بود که نمی‌شد بهش نزدیک شد.
آمار گرفتن	âmâr gereftan?	کسب اطلاع کردن	امشب تو گودبای پارتی آمار رضا رو گرفتیم.
چک پول شدن	ekpul šodanč	به پول هنگفت تبدیل شدن (اشاره به کسی است که در اثر تصادف جان خود را از دست می‌دهد و به خانواده‌اش دیه تعلق می‌گیرد)	یارو رو دیدی داشت از خیابون رد می‌شد، نزدیک بود چک پول بشه.

گسترش استعاری در صفت‌ها

برخی از صفت‌هایی که طی گسترش استعاری به دست آمده‌اند، در جدول زیر مشاهده می‌شود:

جدول ۱۴- صفت‌های حاصل از گسترش استعاری

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال
خجسته	xoǰaste	ساده، احمق	بین بچه‌ها، صدرا از همه خجسته‌تره، به همه چیز الکی می‌خنده.
خرده شیشه	xorde šišē	بدجنس	ظاهر دلسوز تو باور کنم یا باطن خرده‌شیشه‌تو.
فسیل	fossil	فاقد شادابی و پویایی، از کار افتاده	طرف قیافه‌ش فسیله مثل باباشاه
لیز	liz	(در مورد حواس) بدون تمرکز	سعی داری با حواس لیز درس بخونی!

در میان داده‌های این بخش، دو صفت خجسته و لیز متفاوت با سایر صفت‌ها هستند. در سایر صفت‌ها، تغییر معنایی به همراه تغییر مقوله صورت گرفته است، اما در این دو مورد، تنها تغییر معنایی رخ داده است. واژه خجسته که به معنای فرخنده و مبارک است، زمانی که در مورد انسان‌ها به کار می‌رود، مفهوم منفی یافته و معنای احمق و کودن از آن دریافت می‌شود. واژه لیز نیز معمولاً در توصیف سطوحی به کار می‌رود که هموار و لغزنده است. گویشوران فارسی از ویژگی لغزنده بودن آن به زیبایی استفاده کرده، آن را (در مورد حواس) به افرادی نسبت می‌دهند که نمی‌توانند حواس خود را جمع کرده و روی کاری که در حال انجام آن هستند یا قصد انجام آن را دارند، تمرکز کنند.

فرایند تبدیل عبارت به واژه

تبدیل عبارت به واژه، سومین شیوه غیر صرفی برای تولید واژه‌های پیچیده است. به گفته بوی، در زبان قابلیت واژگانی شدن عبارت‌ها نیز وجود دارد که در آن صورت منجر به ساخت واژه‌های پیچیده می‌شود (Booij, 2007: 19-20)، مانند: forget-me-not (گل فراموشم نکن (اسم)).

فرایند تبدیل عبارت به واژه در صفت‌ها

در این پژوهش، مثال‌های یافت‌شده در زبان فارسی همگی مواردی از تبدیل عبارت به صفت هستند. در جدول زیر به چند نمونه از این مثال‌ها اشاره می‌شود.

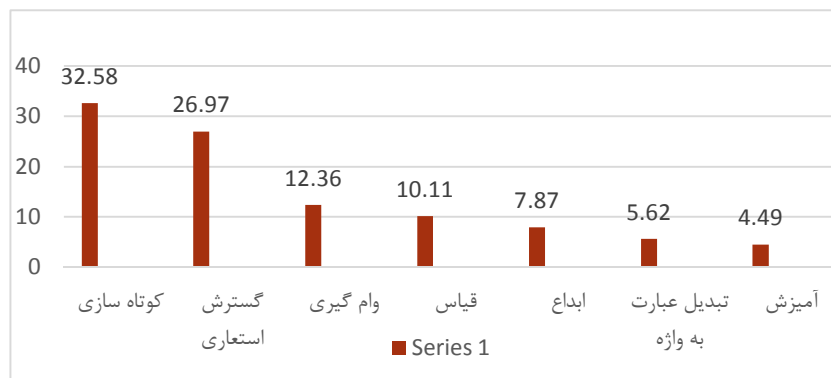
جدول ۱۵- صفت‌های حاصل از تبدیل عبارت به واژه

واژه	واج‌نگاری	معنی	مثال
زیاد حرف بزن	ziyad-harf- bezan	پرحرف	من آدم زیاد حرف بزنی نیستم.
زود چروک شو	zud-churuk-šo	-----	اینو نخریا، از این لباسای زود چروک شوئه.
کمتر متوجه شو	Kamtar- motovajeh-šo	افرادی با ضریب هوشی پایین	دو تا شاگرد دوقلوی کمتر متوجه شو تو کلاس هستن.

ساسانی و آفتابی، واژه‌هایی از این قبیل را که متشکل از گروه‌های نحوی بوده و بر اساس شیوه‌های غیر صرفی تولید می‌شوند، با عنوان واحدهای واژگانی پسانحوی طبقه‌بندی می‌کنند (ساسانی و آفتابی، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۸). یکی از ویژگی‌های خاص واژه‌های حاصل از این فرایند، شفافیت معنایی آنهاست.

تحلیل آماری

در این بخش به تحلیل آماری داده‌های این پژوهش پرداخته می‌شود. میزان فراوانی کاربرد فرایندها و شیوه‌های واژه‌آفرینی شامل کوتاه‌سازی، آمیزش، ابداع، قرض‌گیری، قیاس، گسترش استعاره و تبدیل عبارت به واژه در نمودار زیر نشان داده شده است. بر اساس این نمودار، کوتاه‌سازی با ۳۲/۵۸ درصد، بیشترین و آمیزش با ۴/۴۹ درصد، کمترین میزان فراوانی را دارد.



شکل ۱- میزان فراوانی فرایندهای واژه‌آفرینی

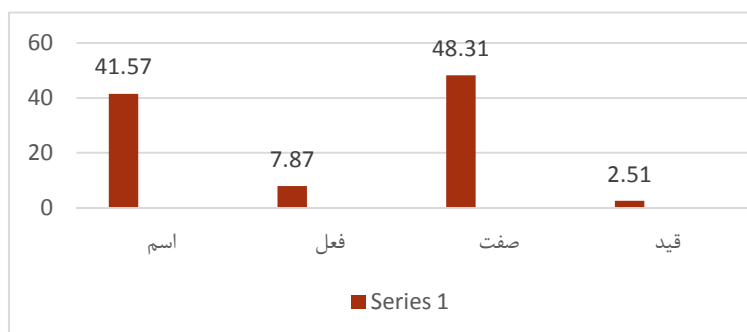
گسترش استعاری با ۲۶/۹۷ درصد پس از کوتاه‌سازی، بیشترین نقش را در واژه‌آفرینی دارد. هر چند گسترش استعاری به لحاظ صرفی در واژه‌سازی مورد توجه قرار نگرفته است، به لحاظ معنایی اهمیتی خاصی دارد و با تغییر معنای واژه‌های موجود به صورت افزایش یا کاهش حوزه کاربرد واژه‌ها، به عنوان یکی از شیوه‌های غنی‌سازی واژگان یک زبان استفاده می‌شود. چه بسا در خلال ساخت واژه‌های جدید از طریق سایر فرایندها، گسترش استعاری نیز اتفاق می‌افتد. در پژوهش حاضر در اغلب موارد تأثیر این فرایند به صورت افزایش حوزه کاربرد واژه‌ها و به کارگیری آنها در رابطه با افراد مشاهده می‌شود.

وام‌گیری نیز نه به عنوان یک فرایند صرفی، بلکه به عنوان یکی از روش‌های غنی‌سازی گنجینه واژگان زبان، پس از گسترش استعاری، کاربرد بالایی دارد. در بسیاری موارد شاهد آن هستیم که وام‌واژه‌ها در زبان فارسی دستخوش تغییراتی شده و به صورت‌های مختلفی مانند ترکیب (در واژه هنگ کردن) یا آمیزش با واژه‌های زبان فارسی (در واژه دیسرده) و یا به صورت کوتاه‌سازی (در واژه یونی که کوتاه‌شده یونیورسیتی است) به کار می‌روند. با وجود این در مواردی نیز واژه‌های قرضی بدون تغییر باقی مانده‌اند، مانند اکتیو و های‌کلاس. در این پژوهش این نوع واژه‌ها به ترتیب اهمیت در دو مقوله صفت و اسم مشاهده شده‌اند. این شیوه، ۱۲/۳۶ درصد از داده‌های این پژوهش را شامل می‌شود.

قیاس نیز پس از وام‌گیری با ۱۰/۱۱ درصد، در ساخت واژه‌های جدید نقش داشته است. همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، گاه واژه‌های جدید در قیاس با واژه‌های موجود در یک زبان یا سایر زبان‌های دیگر ساخته می‌شود. این اتفاق ممکن است در خلال فرایندهای دیگر رخ دهد؛ مانند آنچه در ساخت واژه مرکب *فرت کوفت* مشاهده می‌شود که در قیاس با واژه انگلیسی *فست فود* ساخته شده است؛ و یا اینکه مستقیماً در ساخت واژه جدید دخیل است، مانند واژه *دودبال* که در قیاس با *فوتبال* ساخته شده است. رخداد این فرایند در این پژوهش بسیار محدود است و پس از وام‌گیری تنها در دو مقوله اسم و صفت، شاهد آفرینش واژه‌های جدید بر اساس آن هستیم.

فرایندهای ابداع، تبدیل عبارت به واژه و آمیزش نیز با درصد بسیار کمتری در واژه‌آفرینی نقش دارند. این واژه‌ها در دو فرایند ابداع و آمیزش متعلق به دو مقوله اسم و صفت و در فرایند تبدیل عبارت به واژه، صرفاً متعلق به مقوله صفت هستند. آمیزش در اسم‌ها و ابداع در صفت‌ها، کاربرد بیشتری داشته‌اند.

همچنین در یک نگاه کلی از میان چهار مقوله اصلی واژگانی، صفت با ۴۸/۳۱ درصد و اسم با ۴۱/۵۷ درصد، بیشترین داده‌ها و قید با ۲/۵۱ درصد، کمترین داده‌ها را تشکیل می‌دهند. ۷/۸۷ درصد از داده‌ها نیز به مقوله فعل تعلق دارد. این یافته‌ها در نمودار زیر خلاصه شده‌اند:

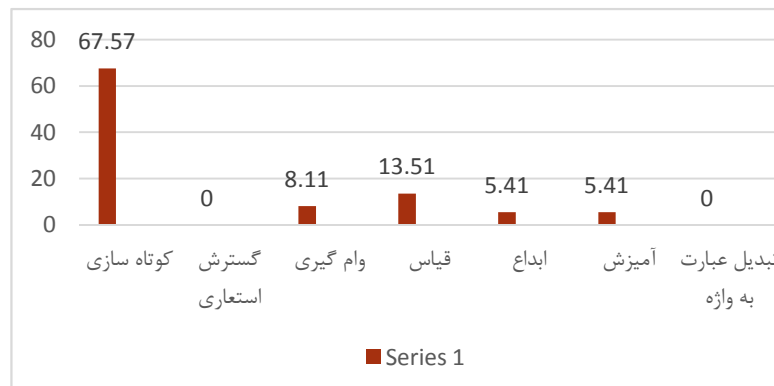


شکل ۲- میزان فراوانی داده‌های حاصل از فرایندهای واژه‌آفرینی بر اساس مقوله واژگانی

نحوه پراکندگی فرایندهای واژه‌آفرینی و میزان تأثیرگذاری هر یک از آنها در هر یک از مقوله‌های واژگانی نیز قابل توجه است. میزان پراکندگی این فرایندها در اسم، فعل،

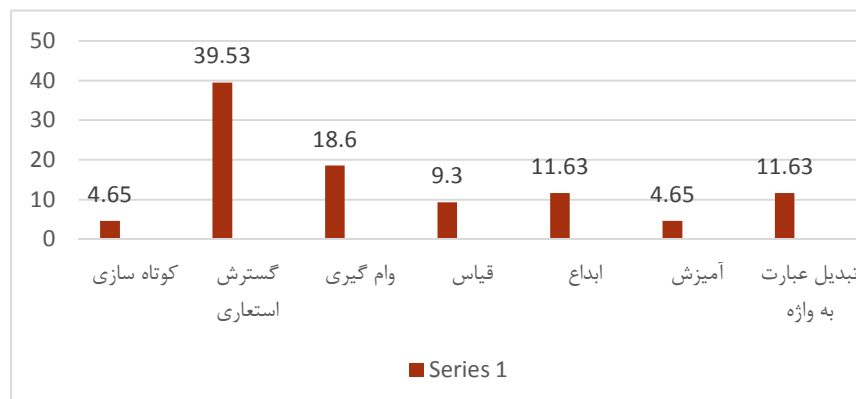
۱۶۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و چهارم، پاییز ۱۳۹۳

صفت و قید در نمودارهایی به طور جداگانه نشان داده شده است. شکل (۳)، میزان پراکندگی هر یک از فرایندهای واژه‌آفرینی را در مقوله اسم نشان می‌دهد.



شکل ۳- میزان پراکندگی فرایندهای واژه‌آفرینی در مقوله اسم

بر اساس این نمودار مشاهده می‌شود که از میان کل داده‌های به دست آمده در این پژوهش، در مقوله اسم، کوتاه‌سازی بیشترین میزان یعنی ۶۷/۵۷ درصد را به خود اختصاص داده است. گسترش استعاری و تبدیل عبارت به واژه نیز کاملاً بی‌تأثیر بوده‌اند. شکل (۴)، میزان پراکندگی هر یک از فرایندهای واژه‌آفرینی را در مقوله صفت نشان می‌دهد.

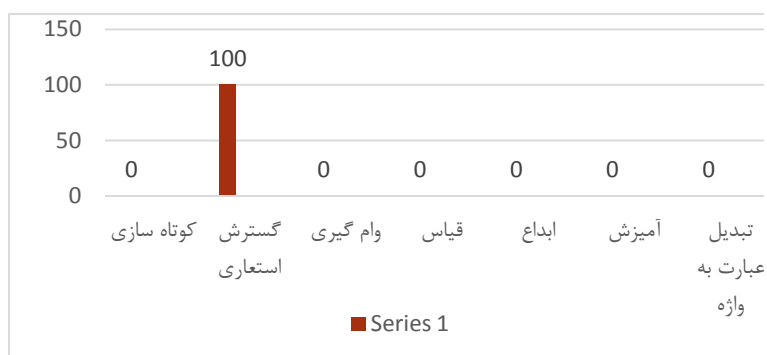


شکل ۴- میزان پراکندگی فرایندهای واژه‌آفرینی در مقوله صفت

همان‌طور که می‌بینیم در مقوله صفت، بیشتر واژه‌ها (۳۹/۵۳ درصد) حاصل گسترش استعاری هستند. کمترین میزان تأثیر در ساخت صفت را نیز آمیزش و

فرایندهای واژه‌آفرینی در گونه گفتاری زبان فارسی / ۱۶۵

کوتاه‌سازی با ۴/۶۵ درصد داشته‌اند. شکل (۵)، پراکندگی فرایندهای واژه‌آفرینی را در مقوله فعل نشان می‌دهد.



شکل ۵- میزان پراکندگی فرایندهای واژه‌آفرینی در مقوله فعل

همان‌طور که در شکل (۵) نیز مشاهده می‌شود، تنها فرایند به کار رفته در مقوله فعل، گسترش استعاری است. سایر فرایندها در این رابطه بی‌تأثیر بوده‌اند. در مقوله فعل، واژه‌های بسیاری به واسطه وام‌گیری وارد زبان فارسی شده‌اند، اما به دلیل ترکیب با کلمات فارسی (مانند استارت زدن) به عنوان یک واژه مرکب، جزء فرایندهای واژه‌سازی قابل بررسی هستند.

شکل (۶) نیز پراکندگی فرایندها را در مقوله قید نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، تنها فرایند مؤثر در ساخت قید، کوتاه‌سازی است.



شکل ۶- پراکندگی فرایندهای واژه‌آفرینی در مقوله قید

نتیجه‌گیری

در فارسی گفتاری علاوه بر فرایندهای واژه‌سازی (شامل اشتقاق، ترکیب و...)، فرایندها و شیوه‌های دیگری نیز در ساخت واژه‌های جدید در زبان نقش دارند. این فرایندها و شیوه‌ها که شامل کوتاه‌سازی، آمیزش، ابداع، قیاس، وام‌گیری، گسترش استعاری و تبدیل عبارت به واژه است، به دلیل آنکه از قاعده‌ای عام در ساخت واژه‌ها پیروی نمی‌کنند، متمایز از فرایندهای واژه‌سازی و با عنوان فرایندهای واژه‌آفرینی طبقه‌بندی می‌شوند. در داده‌های مورد بررسی، واژه‌های حاصل از دو فرایند الفباسازی و سرواژه‌سازی نیز یافت نشد.

در این پژوهش، از میان این فرایندها و شیوه‌ها، کوتاه‌سازی با بیشترین درصد (۳۲/۵۸ درصد) و تبدیل عبارت به واژه و آمیزش با کمترین درصد (به ترتیب با ۵/۶۲ و ۴/۴۹ درصد) در واژه‌سازی نقش دارند. همچنین از میان چهار مقوله اصلی واژگانی، بیشتر واژه‌های حاصل از این فرایندها متعلق به دو مقوله صفت و اسم و کمترین آنها متعلق به مقوله فعل و پس از آن قید است. بررسی میزان تأثیرگذاری فرایندهای واژه‌آفرینی در هر یک از مقوله‌های واژگانی به صورت جداگانه نیز نشان می‌دهد که کوتاه‌سازی در مقوله اسم و قید و گسترش استعاری در مقوله صفت و فعل، بیشترین اهمیت را دارند.

منابع

- اوحدی، سیمین (۱۳۷۵) نگرشی به واژه‌های نو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴) توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان، تهران، امیرکبیر.
- ساسانی، فرهاد و زهره آفتابی (۱۳۹۰) «بررسی واژه‌سازی پسانحوی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی صرف، به کوشش فریبا قطره و شهرام مدرس خیابانی، تهران، انجمن زبان‌شناسی ایران و اهورا، صص ۱۰۷-۱۲۲.
- سامی، مهدی (۱۳۸۲) فرهنگ لغات زبان مخفی، تهران، مرکز.
- شقایق، ویدا (۱۳۷۸) «قیاس و واژه‌سازی»، نخستین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران.
- (۱۳۸۶) میانی صرف، تهران، مرکز.
- صادقی زرقری، علی‌رضا (۱۳۸۰) بررسی فرایند واژه‌سازی و توصیف مشخصه‌های وندهای اشتقاقی در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کلباسی، ایران (۱۳۶۴) «کوتاه کردن اسم‌های خاص در زبان فارسی محاوره‌ای»، مجله زبان‌شناسی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۴۵-۵۰.
- کی‌قبادی، کیانوش (۱۳۸۵) بررسی واژه‌ها و عبارات زبان مخفی جوانان، نگاهی صرفی معنی‌شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸) فرهنگ فارسی عامیانه، تهران، نیلوفر.

- Bauer, L (2004) The Borderline Between Derivation and Compounding, in Morphology and Its Demarcation, selected papers from the 11th morphology meeting, edited by Volfga ng U .Dressler et al, JohnBenjamins Publishing Co.
- Booij, G (2007) The Grammar of Words, United States, Oxford University Press Inc, New York.
- Haspelmath, M (2002) Understanding Morphology .London, Oxford University Press.
- Katamba, F and John Stonham (2006) Modern Linguistics: Morphology, England, Macmillan Press.